

خاطرات هکتور برلیوز

هکتور برلیوز

ترجمه محمدباقر ترشیزی - محسن الهامیان



نشر گویا

۱۰۱ ۱۰۱

۱۰۲ ۱۰۲

۱۰۳ ۱۰۳

۱۰۴ ۱۰۴

۱۰۵ ۱۰۵

۱۰۶ ۱۰۶

۱۰۷ ۱۰۷

۱۰۸ ۱۰۸

۱۰۹ ۱۰۹

۱۱۰ ۱۱۰

۱۱۱ ۱۱۱

۱۱۲ ۱۱۲

۱۱۳ ۱۱۳

۱۱۴ ۱۱۴

۱۱۵ ۱۱۵

۱۱۶ ۱۱۶

۱۱۷ ۱۱۷

۱۱۸ ۱۱۸

۱۱۹ ۱۱۹

۱۲۰ ۱۲۰

۱۲۱ ۱۲۱

۱۲۲ ۱۲۲

۱۲۳ ۱۲۳

۱۲۴ ۱۲۴

۱۲۵ ۱۲۵

۱۲۶ ۱۲۶

۱۲۷ ۱۲۷

۱۲۸ ۱۲۸

۱۲۹ ۱۲۹

۱۳۰ ۱۳۰

۱۳۱ ۱۳۱

۱۳۲ ۱۳۲

۱۳۳ ۱۳۳

۱۳۴ ۱۳۴

۱۳۵ ۱۳۵

۱۳۶ ۱۳۶

۱۳۷ ۱۳۷

۱۳۸ ۱۳۸

۱۳۹ ۱۳۹

۱۴۰ ۱۴۰

۱۴۱ ۱۴۱

۱۴۲ ۱۴۲

۱۴۳ ۱۴۳

۱۴۴ ۱۴۴

۱۴۵ ۱۴۵

۱۴۶ ۱۴۶

۱۴۷ ۱۴۷

۱۴۸ ۱۴۸

۱۴۹ ۱۴۹

۱۵۰ ۱۵۰

فہرست

مقدمہ ۹

پیشگفتار ۲۷

فصل اول. کوت سنت آندرہ، اولین مراسم تعمید مذہبی من، اولین تأثیرہای موسیقی در من ۲۹

فصل دوم. پدرم، تحصیلات ادبی من، علاقہام بہ سفر، ویرژیل، اولین ہیجان شاعرانہ ۳۳

فصل سوم. می لان، دایمی ام، پوتین ہای قرمز، حوری ہای سنت اینارڈ، عشق در قلبی دوازده سالہ ۳۹

فصل چہارم. اولین درس موسیقی کہ بہ وسیلہی پدرم دادہ شد ۴۳

فصل پنجم. یکسال تحصیل طب، پرفسور آموسا ۵۵

فصل ششم. پذیرش من در میان شاگردان لہ زور. خوش قلبی وی. نمازخانہی سلطنتی ۶۱

فصل ہفتم. اولین اپرا. موسیو آندریو. اولین مس. موسیو شاتوبریان ۶۷

فصل ہشتم. آقای آ. دوپونس ہزار و دوہست فرانک برایم فراہم کرد ۷۳

فصل نہم. اولین ملاقات و برخوردم با کروبینی ۷۹

فصل دہم. پدرم کمک خرجم را قطع می کند و من بہ کوت باز می گردم ۸۳

فصل یازدہم. بازگشت بہ پاریس. من درس می دہم. بہ کلاس رایشا در کنسرواتوار وارد می شوم ۸۹

فصل دوازدهم. برای جایگاهی به عنوان خواننده‌ی کُر در مسابقه شرکت کردم و آن را به دست آوردم.....	۹۵
فصل سیزدهم. اولین کمپوزیسیون برای ارکستر، مطالعات من در اپرا، دو استاد من لهزور و رایشا.....	۱۰۱
فصل چهاردهم. کنکور انستیتو، کانتات من غیرقابل اجرا شناخته شد.....	۱۰۷
فصل پانزدهم. شب‌های من در اپرا. رسوایی.....	۱۱۱
فصل شانزدهم. ظهور وبر در اودئون، کاستیل بلاتز، لاشینت، تنظیم‌کنندگان.....	۱۲۳
فصل هفدهم. پیش‌داوری در مورد اپرای نوشته شده روی یک متن ایتالیایی.....	۱۳۵
فصل هجدهم. ظهور شکسپیر، میس استمیسون، عشق‌کننده، بی‌قیدی روحی.....	۱۳۷
فصل نوزدهم. کنسرت بیهوده. رهبر ارکستری که رهبری نمی‌دانست.....	۱۴۷
فصل بیستم. ظهور بتهوون در کنسرواتوار. بی‌اعتنایی کینه‌توزانه و شرم‌آور استادان فرانسوی.....	۱۵۳
فصل بیست و یکم. سرنوشت شوم. من منتقد هنری می‌شوم.....	۱۵۹
فصل بیست و دوم. کنکور کمپوزیسیون موسیقی.....	۱۶۳
فصل بیست و سوم. مأمور اجرای انستیتو، پرده‌دری‌های او.....	۱۷۱
فصل بیست و چهارم. باز هم میس اسمیتسون، یک نمایش خیرخواهانه، اتفاقات بی‌رحمانه.....	۱۸۱
فصل بیست و پنجم. سومین کنکور در انستیتو، امسال جایزه‌ی اولی وجود ندارد.....	۱۸۵
فصل بیست و ششم. مطالعه‌ی «فاوست» اثر گوته برای اولین بار، من سنفونی فانتستیک خود را نوشتم، سعی بیهوده برای اجرا.....	۱۹۱
فصل بیست و هفتم. یک فانتزی روی «طوفان» شکسپیر نوشتم، اجرای آن در اپرا.....	۱۹۵
فصل بیست و هشتم. سرگرمی پرالتهاپ ف. هیلر مادموازل ماری موک.....	۱۹۷
فصل بیست و نهم. چهارمین کنکور انستیتو، من جایزه‌ای اول را بردم.....	۲۰۱
فصل سی‌ام. توزیع جوایز در انستیتو.....	۲۰۹
فصل سی و یکم. دومین کنسرتم را می‌دهم؛ «سنفونی فانتستیک».....	۲۱۷
فصل سی و دوم. سفر در ایتالیا. از مارسی تا لی‌ورن.....	۲۲۳

فهرست

- فصل سی و سوم. مستمری‌بگیران آکادمی ۲۳۳
- فصل سی و چهارم. درام زندگی من، رم را ترک می‌کنم ۲۳۹
- فصل سی و پنجم. تئاتر جنوا و فلورانس «ای مونتۀ چیورا کاپولتی» اثر بلینی ۲۵۱
- فصل سی و ششم. زندگی آکادمی، کلاس‌هایم در «آبروز» ۲۶۱
- فصل سی و هفتم. شکار در کوهستان، باز هم جلگه‌ی رُم، خاطرات ویرژیلی ۲۷۳
- فصل سی و هشتم. سوبیاکو، صومعه «سنت‌بنوا» ۲۸۱
- فصل سی و نهم. زندگی یک موزیسین در رم، موسیقی در کلیسای سنت‌پیر، نمازخانه‌ی سیستین ۲۹۱
- فصل چهلم. انواع مالخولیا و بیزاری از زندگی - آنزوا ۳۰۵
- فصل چهل و یکم. مسافرت به ناپل، سرباز شوق‌زده، سفری تفریحی به نیزیتا ۳۱۱
- فصل چهل و دوم. آنفلوانزا در رم ۳۲۹
- فصل چهل و سوم. فلورانس، صحنه‌ی عزا «اسپوزینای زیبا» فلورانسی شاد ۳۳۵
- فصل چهل و چهارم. سانسورپایی. تدارک کنسرت. به پاریس بازمی‌گردم ۳۴۷
- فصل چهل و پنجم. نمایش و کنسرت برای جمع اعانه در تئاتر ایتالیایی ۳۶۱
- اصطلاحات موسیقی ۳۷۱

مقدمه

نویسندگان بزرگی چون روسو^۱ و شاتوبریان^۲ با انتشار خاطرات خود افتخارات ادبی خود را جاودانه ساخته، تاجی بر فعالیت ادبی خود گذارده‌اند. ولی این چنین موردی در نزد موزیسین‌ها بسیار نادر است. در این زمینه شاید برلیوز اولین نمونه باشد: آنچه که یک آهنگساز نیاز گفتنش را احساس می‌کند، توسط موسیقی‌اش آن را بیان می‌کند. چرا برلیوز در این عرصه بنیان‌گذار به حساب می‌آید؟ بدون شک به این دلیل که وی در زمهری کودکانی نبوده است که از سن بسیار پایین آموزش موسیقی را چه بنا به سنت خانوادگی و چه به دلیل استعداد استثنائیشان که به وسیله‌ی یکی از افراد موزیسین خانواده کشف شده است، شروع می‌کنند و سپس به بهانه‌ی گسترش هرچه زیاده‌تر این استعداد با نابود کردن سایر استعدادها، این امر منجر به ناتوانی وی در زمینه‌ی قلمزنی و نوشتن و ناتوانی در سلیقه‌ی ادبی او می‌گردد. برلیوز فرزند یک پزشک، دارنده‌ی گواهی‌نامه‌ی دوره‌ی دوم متوسطه، محصل طب، بلافاصله بعد از رسیدن به پاریس با جوانانی تشنه‌ی ادبیات آشنا می‌شود، از این‌رو او فقط جذب

۱. Rousseau (۱۷۱۲-۱۷۷۸) متفکر و نویسنده‌ی فرانسوی سویی‌ال‌اصل. (م)

۲. Chateaubriand (۱۷۶۸-۱۸۴۸) نویسنده‌ی بزرگ رمانتیسیم فرانسه. (م)